

برگی از شوق جاویدان

ابراهیم خدایار^{۱*}

چهارده سال پیش زمانی که با کوله‌باری از خاطرات سه‌سال‌واندی هم‌نفسی با یاران این سوی جیحون- در ازبکستان- به ایران بازمی‌گشتم، طعم با تاجیکان بودن را از نزدیک بارها و بارها چشیده بودم: چیزی شبیه به طعم سیب‌های تاشکندی یا نه، قندهای سمرقندی؛ هرچه بود حسِ شگفتی جان مرا با جانِ این سرزمین گره زده بود. یک بار به خود جرئت دادم، قلم را بر کاغذ گریاندم و پریشان‌وار شعر «گیسوانِ پریشان» را به یاد آن روزها و آن خاطرات، در درونم زمزمه کردم:

رهایم نمی‌کند،
گیسوانِ پریشانِ شهری
کز آن سویِ رؤیاهایِ کودکی
تمام هستی‌ام را
نشانه رفته است.

Δ
خلوت‌خانه خیالم

- هنوز هم -
در غارتِ همان خالی‌ست

۱. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس، ایران، رایزن فرهنگی ج.ا.ا. در تاجیکستان

* Hesam_kh1@modares.ac.ir

که هستی خواجه شیراز را
به یغما برد.

Δ

گذشته‌ام از اوست

آینه آینده‌ام

در دست که خواهد بود؟

رهایم نمی‌کند

رهایش نمی‌کنم.

در این یک‌ونیم دهه که در ایران بودم، هرچند هرگز پا به این سرزمین اسطوره‌ای ننهادم، همیشه به مردمان خونگرم تاجیک به دیده احترام می‌نگریستم؛ وقتی پیشنهاد شد در کسوت رایزن فرهنگی به وطن رؤیاهایم پا نهم، با کمال افتخار پذیرفتم؛ هرچند در ایران عزیزم به گفته شمس تبریزی در کتاب *مقالات*: «آنجا کسانی بوده‌اند که من کمترین ایشانم، که بحر مرا برون انداخته است؛ همچنان که خاشاک از دریا به گوشه‌ای افتد».

در مدتی که مقرر شد به این خاک پاک سفر کنم، با بسیاری از کسانی که چون من دل در گرو غریبه‌های آشنا داشتند، هم‌نشین شدم و از محضر پرخیرشان خوشه‌ها چیدم. صادقانه اعتراف می‌کنم گاه سخنانی از زبان آن‌ها می‌شنیدم و بعد در همین جا با چشمان خود دیدم که مردمانی که من سال‌ها پیش درباره آن‌ها چیزها شنیده یا کتاب‌ها خوانده بودم، گویی چیزی که در دل دارند که خواسته و ناخواسته می‌توان آن را در حرکاتشان تماشا کرد. با خود گفتم نکند خدای ناکرده ما دو برادر در عین یگانگی از هم بیگانه شده‌ایم. به قول میرزا ابوالحسن شیرازی:

با وجود اتحاد از یک‌دیگر بیگانه‌ایم

چون نگین عاشق و معشوق در یک خانه‌ایم

با همه این ناملایمات، با تمام وجود باور دارم خورشید حقیقت هرگز پشت ابر باقی نخواهد ماند. تا وقتی فرزندان رودکی، فردوسی، ناصر خسرو، سعدی شیرازی، کمال خجندی، حافظ شیرازی و عینی و لاهوتی جز زبان نیاکان در کام نمی‌چرخانند، هیچ‌کس نمی‌تواند آن‌ها را از هم جدا کند. چه کسی حق دارد هزاران سال تاریخ

مشترک یک قوم را از هم جدا کند؟ پدران ما، مادران ما، نیاکان ما از یک آبشخور جانِ
تشنه خود را سیراب کرده‌اند؛ چرا باید فرزندانشان از نوشیدن همان آب محروم شوند؟
تو را نمی‌دانم

من

هرگاه گذشته‌ام را ورق می‌زنم،

خود را در آینه‌خانه تو می‌یابم.

برایم بگو:

«اگر تو

گذشته‌ات را بکاوی،

به آینه‌خانه من می‌رسی؟».

کوشش‌های رایزنان پیشین فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان، استادان
فاضل و ارجمند، دکتر سیدعلی موسوی گرمارودی که این نشریه را در سال ۱۳۷۹ش
تأسیس کرد تا دکتر قهرمان سلیمانی که آن را به شیوه علمی سامان داد و بعد دکتر
محمدحسین اردوش که آن را در جامعه علمی ایران و تاجیکستان تثبیت کرد، در به‌ثمر
نشستن این نشریه شایسته هرگونه سپاس است. در چند سال اخیر این نشریه به‌دلیل
بی‌ثباتی در مدیریت از مسیر اصلی خود دور شده بود. در آستانه اعزام به تاجیکستان و
پس از همفکری با همکاران دانشگاهی و پیش‌کسوتان نام‌برده، و به‌ویژه پس از مشورت
با دکتر مظفر شریفی، مدیرکل محترم دفتر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی امور پژوهشی
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مقرر شد این نشریه با ارکان علمی جدید و همکاری
نزدیک با مراکز دانشگاهی ایران با تغییر رویکرد منطقه‌ای از تاجیکستان به آسیای
مرکزی به‌صورت دوفصلنامه (دو شماره در سال) و با نام *دوفصلنامه پژوهش‌های
فرهنگی، زبانی و ادبی آسیای مرکزی*، میراث هزارودویست ساله زبان و ادب فارسی و
تأثیر آن در زبان‌ها و فرهنگ‌های ازبکی، قرقیزی، ترکمنی و قزاقی آسیای مرکزی از
سده سوم هجری تاکنون را به مخاطبان علاقه‌مند آن بشناساند و با این شیوه پیوندهای
مردمان گونه‌گون‌نژاد و چندگون‌زبان این منطقه را با یکدیگر و با دیگر مردمان جهان
مستحکم‌تر نماید؛ بنابراین، نشریه رودکی در شماره آینده فعالیت انتشاراتی خود را با
هیئت تحریریه جدید آغاز خواهد کرد. امید است با طی شدن مراحل قانونی بتوانیم در
تقویت روابط فرهنگی میان ایران و کشورهای آسیای مرکزی نقش خود را به‌خوبی
ایفا نماییم.